جزئیات ماجرای عاملان شهادت ۳نفر از حافظان امنیت

خط پایان تروریست‌های «خانه اصفهان»

گزارش
جواد رستگار
روزنامه‌نگار

۳نفر از مجرمان حادثه خانه اصفهان که در جریان ناآرامی‌های آبان‌ماه سال گذشـــته با تیراندازی به‌سوی نیروهای حافظ امنیت ۳نفر از آنها را به شهادت رسانده بودند، صبح دیروز در زندان به دار مجازات آویخته شدند. اما پرونده این محکومان از کجا آغاز شد و چه مراحلی را طی کرد تا به اجرای احکام رسید؟

به گزارش همشـــهری، به نقل از مرکز رســـانه قوه‌قضاییه، شامگاه ۲۵آبان‌ماه سال ۱۴۰۱، در جریان ناآرامی‌ها در شهر اصفهان چند مرد مسلح در میدان نگهبانی محله خانه اصفهان به‌ســـوی نیروهای مدافع امنیت شـــلیک کردند و ۳نفر از آنها به نام‌های اسماعیل چراغی، محسن حمیدی و محمد کریمی را به شهادت رساندند. علاوه بر این در این حمله شمار دیگری از مردم و نیروهای حافظ امنیـــت نیز مجروح شـــدند. به‌دنبال این حادثه تلخ تلاش‌ها برای شناسایی و دستگیری عاملان جنایت آغاز شـــد و یک روز بعد مأموران موفق شدند با شناسایی ۶نفر از متهمان اصلی، آنها را که سعی داشتند به شهرهای شمالی کشور فرار کنند دستگیر کردند.

در دادگاه

دستگیرشدگان در همان بازجویی‌های مقدماتی به‌دست داشتن در حادثه خانه اصفهان اعتراف کردند و به این ترتیب پرونده اتهامی‌شان با صدور کیفرخواســـت به دادگاه فرستاده شد. در جلسه محاکمه ۴نفر از متهمـــان دارای وکیل تعیینی بودند و برای ۲نفر دیگر که وکیل معرفی نکرده بودند نیز وکیل تسخیری درنظر گرفته شد. در جلسه دادگاه هر یک از متهمان به نقش خود در حادثه اعتراف کردند و در نهایت صالح میرهاشمی متهم ردیف اول، مجید کاظمی متهم ردیف دوم و سعید یعقوبی متهم ردیف سوم به اتهام محاربه به اعدام محکوم شدند. همچنین شمار دیگری از متهمان به حبس محکوم شدند و یکی از آنان نیز تبرئه شد.

یکی از محکومان هنگام بازسازی صحنه جنایت

تأیید حکم در دیوان عالی کشور

کمی بعد از صدور این حکم متهمان به آن اعتراض کردند و پرونده برای بررسی دقیق‌تر به دیوان عالی کشور فرستاده شد که قضات دیوان بر رأی دادگاه مهر تأیید زدند. در دادنامه دیوان عالی کشور آمده است: متهمان از طریق تیراندازی با کلت کمری و کلاشنیکف موجب شـــهادت ۳نفر از مأموران حافظ امنیت شدند و قصد براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و سرکردگی اغتشاش و آشوب را برعهده داشته‌اند و از طرف دیگر با سرپل گروهک تروریستی منافقین در خارج از کشور در ارتباط مستقیم بوده‌اند.

ارتباط با منافقین

یکی از اتهامات این ۳محکوم ارتباط با گروهک تروریســـتی منافقین بود. صالح میرهاشمی در اعترافات خود در دادگاه درباره این اتهام گفت: یک صفحه به نام بی‌باک به من پیام داد که حاضر به همکاری با ما هستید؟ که در ادامه من هم چندین نقطه را برای اطلاع منافقین شناسایی و ارسال کردم، ازجمله حوزه علمیه لیمجیر، پایگاه سپاه در خانه اصفهان و پایگاه بسیج که از طریق تلگرام آدرس این اماکن را برای آنها ارسال و اعلام کردم که مسلح هســـتم. او در ادامه به عوامل گروهک منافقین گفته بـــود: ما یک تیم ۵نفره مســـلح هســـتیم و از نظر مالی و پشتیبانی به هیچ‌کسی احتیاجی نداریم.

ساخت کوکتل مولوتف در اصطبل

محکومان همچنین در اعترافات‌شان به ساخت کوکتل مولوتـــف نیز اعتـــراف کردنـــد. صالح میرهاشـــمی همراه همدســـتان خـــود در یک اصطبل اقدام به ساخت کوکتل مولوتف و تصاویر کوکتل‌ها را برای ســـرپل گروهک تروریســـتی منافقین ارسال کرده بود. او همچنین درخصوص ســـلاح کمری خود گفته بود که سال ۱۴۰۰ در کردستان اسلحه کلت کمری را به همراه تعدادی تیر به قیمت ۸میلیون و ۳۰۰هزار تومان با یک خشاب اضافه خریده بود.

شهادت ۳مأمور به روایت صالح

صالح میرهاشـــمی جزئیات بیشتری درباره شب حادثه را بیان کرد و گفت: زمانی که مجید کاظمی شروع به تیراندازی کرد به سمت او ایستادم و گفتم که روبه‌رو شلوغ است، در محل سر و صدای زیادی بود و متوجه حرف من نشد. شروع به دویدن کردم که متوجه شدم فردی از پشت سر با سلاح کلت در حال تیراندازی به سمت شهید اسماعیلی است. زمانی که مأموران آمدند، مجید در حال تیراندازی بود، از پشت یک نفر را دیدم که اقدام به تیراندازی کرد، صورت او پوشانده شده بود، اما از نظر هیکل و ظاهر شبیه ســـعید یعقوبی بود. من حدود یک سال و نیم گذشـــته بود که کلت کمری ترکیه‌ای را به همراه ۱۲فشـــنگ از فردی به نام حمیدلره خریده بودم و هیچ استفاده‌ای از آن نکردم. در شب وقوع حادثه اســـلحه در پارکینگ خانه و زیر زین موتور من بود. این اعترافات در حالی انجام شد که مجید کاظمی نیز در دفاعیات خود گفت: در زمان دستگیری ما، سلاح‌های کلاشنیکف و کلتی که سعید یعقوبی به من داده بود در اصطبل کشف شد.

آب از سرم گذشت، همه را می‌کشم

سعید یعقوبی، متهم ردیف ســـوم پرونده نیز در دادگاه گفت: شـــب درگیری صالح به من زنگ زد و گفت که به نگهبانی خانه اصفهان بیا. زمانی که به محل رفتم سهیل و صالح را دیدم. کمتر از ۱۰۰نفر وسط معرکه و ۲۰۰نفر نیز در حال تماشا بودنـــد. در همین زمان مأمـــوران آمدند و دیدم که مجید از زمین خاکـــی تیراندازی کرد. مجید اسلحه را روی یک خودرو گذاشته بود و تیراندازی می‌کرد. بعد همراه مجید به یک کبابی رفتیم. در آنجا مجید از من خواست تا از وی فیلم بگیرم. در زمان فیلمبرداری صاحب کبابی ما را دید و فکر می‌کنم که صحبت‌های مجید را شنید. مجید به من گفت که من را جایی ببر تا فشنگ بخریم، من که چند نفر را کشته‌ام، آب از سرم گذشته، بگذار همه را بکشم.

پایان شرارت

سرانجام با قطعی شدن احکام این ۳جوان شرور در دیوان عالی کشور و درحالی که همه شواهد و مدارک ازجمله اعترافات متهمان علیه آنها بود، صبح دیروز (جمعه) هر ۳نفر در زندان اصفهان اعدام شدند تا پرونده زندگی‌شان برای همیشه بسته شود.

آتش‌نشان فداکار در عملیاتی برق‌آسا جان دختری ۱۲ساله را نجات داد

عملیات نجات در ۳۰ ثانیه

داخلی

آتش‌نشان وظیفه شـــناس که همراه خانواده‌اش در حال قدم زدن بود وقتی از طریق بیســـیم فهمید که دختری در رودخانه افتاده و در حال غرق شدن است در کمتر از یک دقیقه خود را به محل حادثه رســـاند و توانست جان دختر نوجوان را از مرگ حتمی نجات دهد.

به گزارش همشهری، این آتش‌نشان فداکار که عبدالله علیدادی نام دارد ظهر دیروز (جمعه) در زمان خارج از شیفت همراه با همسرش در حال قدم زن در حاشـــیه زاینده رود و حوالی پل خواجو بود. با اینکه این زمان خارج از ســـاعت کاری‌اش بود اما چون او مدیر منطقه ۲عملیات و رئیس ایستگاه شماره ۵ آتش‌نشانی اصفهان را برعهده دارد بیسیم همراهش بود. او از طریق بیســـیم خبر وقوع یک حادثه را شنید. اعلام شـــد که فردی در حوالـــی پل خواجو داخـــل رودخانه افتاده و در حال غرق شدن اســـت. هرچند همان موقع نیروهای عملیاتی اعزام شدند اما تا رسیدن آنها به محل حادثه ممکن بود زمان طلایی از دســـت برود و این فرد در رودخانه غرق شـــود. از ســـویی اعلام شد این حادثه نزدیک پل خواجـــو رخ داده، یعنی در نزدیکی جایی که این آتش‌نشان و همسرش حضور داشتند. در این شرایط بود که آتش‌نشان وظیفه شناس شروع به دویدن به طرف محل حادثه کرد. آنطور که خودش می‌گوید بین ۳۰ثانیه تا یک دقیقه طول کشید تا او به آنجا رسید. آتش‌نشان علیدادی، دختر ۱۲ســـاله‌ای را دید که داخل رودخانه افتاده و جریان آن او را حدود ۲۰متر با خود برده است. همزمان ۲نفر از شهروندان وظیفه شناس اصفهانی نیز برای نجات دختر نوجوان وارد رودخانه شده اما نتوانسته بودند دختر را نجات دهند و خودشـــان نیز گرفتار شده بودند. در چنین شرایطی بود که آتش‌نشان فداکار داخل رودخانه پرید.

او ابتدا سراغ دختر نوجوان رفت و او را از آب بیرون کشید و سپس به ۲شهروند دیگر برای بیرون آمدن از آب کمک کرد و درســـت در همین لحظات بود که آتش‌نشانان و امدادگران اورژانس سر رسیدند.

این آتش‌نشان وظیفه شـــناس ساعتی بعد از این حادثه در گفت‌وگو با همشـــهری، جزئیات بیشتری از آنچه در نزدیکی پل خواجـــو رخ داده بود را بازگـــو کرد و گفت: همراه همســـرم در حال قدم زدن بودیم کـــه از طریق بیسیم متوجه این حادثه شدم. چون نزدیک آنجا بودم دوان‌دوان خودم را به محل حادثه رساندم. ظاهرا دختری نوجوان از روی پله‌های پل خواجو داخل رودخانه افتاده و شـــدت جریان آب او را با خود برده بود. با اینکه ۲نفر قبل از من وارد رودخانه شـــده بودند اما نمی‌توانستند دختـــر حادثه دیده را نجات دهند و شـــرایط ســـختی ایجاد شده بود.

آنها تلاش می‌کردند مانع غرق شدن شوند که من وارد شدم و به لطف خدا توانستم آنها را نجات دهم. علیدادی که بیستمین سال خدمت در آتش‌نشانی را می‌گذراند در ادامه گفت: نمی‌دانم در این ۲۰سال در عملیات مختلف جان چند نفر را نجات داده‌ام اما هرچه بوده از لطف خدا است. خدا را شکر می‌کنم که این توانایی را به من داد که بتوانم جان یک نفر را نجات دهم.

سارقان گوشی‌های سرقتی را در افغانستان می‌فروختند

ماجرای مالباخته‌ای که سارق خشن شد

دادسرا

مـــرد جوان که اســـیر دزدان خشن شـــده بود تا یک قدمی مرگ رفت امـــا زنده ماند و در اقدامـــی عجیب، تصمیم گرفت باند ســـرقتی تشـــکیل دهد. به‌گزارش همشهری، از دی‌ماه سال گذشته کارآگاهان پلیس آگاهی تهران در جریان سرقت‌های سریالی یک باند خشن قرار گرفتنـــد. اعضای ایـــن باند به رهگـــذران در خیابان‌های خلوت حمله کرده و با تهدید چاقو، قمه و شمشیر، گوشـــی موبایل آنها را سرقت می‌کردنـــد و چنانچه با مقاومت طعمه‌شـــان روبه‌رو می‌شدند نیز آنها را مجروح کرده و نقشه سرقت را عملی می‌کردند. یکی از طعمه‌های آنها می‌گفت: همسرم به‌شدت بیمار بود و او را به بیمارستان برده بودم. وقتی برای خرید دارو راهی داروخانه شدم و در حال صحبت با موبایل بودم که مردی به من حمله کرد؛ او قصد سرقت موبایلم را داشـــت که مقاومت کردم اما با قمه، ضربه‌ای به ران پایم زد و گوشی‌ام را قاپید. تنها شانسی که آوردم این حادثه مقابل بیمارستان رخ داد و بلافاصلـــه مرا به اتاق عمـــل بردند؛ پزشـــکان می‌گفتند که اگر چند دقیقه دیرتر می‌رسیدم، قطعا جانم را از دست داده بودم.

هدیه پردردسر

تحقیقات پلیس زیرنظـــر قاضی محمدولی بیرانوند، بازپرس شـــعبه هفتم دادســـرای ویژه سرقت، ادامه داشت و بررسی‌ها نشان می‌داد که اعضای این باند علاوه بر ســـرقت گوشی، موتور و ماشـــین هم می‌دزدیدند و برای این کار از هیچ خشونتی ابایی نداشتند. مدتی بعد، مأموران پلیس با شناسایی یکی از موتورهای سرقتی، جوانی را که سوار آن بود را دستگیر کردند. او گفت که از ماجرای ســـرقت خبر نداشـــته و موتور را دایی‌اش به‌عنوان هدیه تولد به وی داده است. دایی او یکی از اعضای باند سرقت بود که با شناسایی وی، بقیه اعضای باند نیز شناسایی شدند و در جریان عملیات دســـتگیری آنها، یکی از دزدان از سوی پلیس هدف اصابت گلوله قرار گرفت. متهمان که ۲مـــرد ایرانی و ۲افغانی هستند، پس از دســـتگیری به اداره آگاهی منتقل شدند و به سرقت‌های سریالی خشن اعتراف کردند.

گفت‌وگو

سرقت در ایران؛ فروش در افغانستان

مهدی ۲۴ساله و ســـرکرده باند است. او صافکار ماشین بوده و می‌گوید: بر اثر اتفاقی که در زندگی‌اش افتاده، تبدیل به سارق شده اســـت. گفت‌وگو با او را در پی می‌خوانید.

چه اتفاقی افتاد که تصمیم گرفتی باند سرقت راه‌اندازی کنی؟

یک شب از محل کارم برمی‌گشتم که ۳نفر به من حمله کردند. آنها با چاقو و قمه مرا زخمی کردند و هرچه داشتم را به سرقت بردند؛ از موبایلم گرفته تا کیف و وسایل باارزشم. خسارت مالی برایم مهم نبود، اما جراحتی که دیدم زندگی‌ام را مختل کرد. مدت‌ها در بیمارستان بستری شدم و پزشکان به خانواده‌ام گفته بودند که ممکن است زنده نمانم. اما زنده ماندم ولی دیگر نتوانستم کار کنم. این اتفاق زندگی‌ام را به هم ریخت و تصمیم گرفتم برای انتقام از روزگار، باند سرقت راه‌اندازی کنم.

با چه شگردی سرقت می‌کردی؟

می‌رفتیم مناطق شمال، شمال غرب و شمال شرق تهران. اگر طعمه‌هایمان مقاومت می‌کردند ضربات عمیقی به آنها می‌زدیم و اگر مقاومت نمی‌کردند، فقط با چاقو روی دست و پایشان خط می‌انداختیم که تعقیب‌مان نکنند.

نمی‌ترسیدی که کشته شوند؟

هیچ وقت به مرگ طعمه‌هایم فکر نکرده بودم!

با اموال مسروقه چه می‌کردید؟

موتورها را با جعل ســـند می‌فروختیم و موبایل‌ها را تحویل ۲افغانی که با ما کار می‌کردند می‌دادیم. آنها گوشـــی‌ها را به افغانستان برده و در آنجا می‌فروختند. البته یکی از موتورها را هدیه دادم که موجب دستگیری‌مان شد.

اعضای باندت چه کسانی هستند؟

از دوستانم هستند. فکر می‌کنم بالای ۵۰سرقت انجام دادیم اما حالا پشیمانم. می‌خواســـتم از روزگار انتقام بگیرم اما از خودم گرفتم.

کوتاه از حادثه

دستگیری دزدان مسلح در درگیری تن‌به‌تن

دزدان مسلح که پس از سرقت خشن از خانه‌ای در پایتخت تحت تعقیب پلیس بودند، وقتی در مخفیگاه‌شان محاصره شدند، در جریان تیراندازی و درگیری تن‌به‌تن با مأموران دستگیر شدند. به گزارش همشهری، متهمان که ۲مرد جوان هستند، مدتی قبل درحالی‌که کلت کمری و تجهیزات نظامی همراهشان بود، به مقابل خانه‌ای در منطقه شهرزیبا رفتند. آنها زنگ در را زدند و خودشان را مأمور معرفی کرده و مدعی شدند که حکم بازرسی خانه را دارند. به محض باز شدن در، مأموران قلابی با اسلحه به تهدید ساکنان خانه پرداختند و دست و پای آنها را بسته و در اتاقی محبوس کردند. سپس با ضرب و شتم آنها و به‌دست آوردن محل نگهداری اموال باارزش‌شان، مقدار زیادی پول، طلا و ارز را سرقت کرده و متواری شدند. به‌دنبال این سرقت مسلحانه، کارآگاهان پلیس آگاهی تهران که با شکایت شاکی در جریان ماجرا قرار گرفته بودند، تحقیقات برای شناسایی و دستگیری دزدان مسلح را آغاز کردند. آنها متوجه شدند که متهمان یک همدست دیگر هم داشته‌اند؛ یک زن که بیرون از خانه مورد نظر کشیک می‌کشـــید و مراقب اوضاع بود. در ادامه و با سرنخ‌های به‌دست آمده، مشخص شد که دزدان مسلح از مجرمان سابقه‌دار هســـتند و مخفیگاه آنها در جنوب تهران شناســـایی شد. تیم عملیاتی پلیس راهی این محل شد اما دزدان به محض مشاهده مأموران به‌ســـوی آنها تیراندازی کردند. آنها سپس قصد فرار داشـــتند که در جریان درگیری تن به تن با مأموران دستگیر شدند و پس از انتقال به اداره آگاهی به سرقت مسلحانه از خانه مورد نظر اعتراف کردند. به‌گفته سرهنگ علی ولی‌پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران، تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

در جست‌وجوی قاتل نوجوان ۱۷ساله

به‌دنبال مرگ نوجوان ۱۷ســـاله در یک درگیـــری خونین در پایتخت، تحقیقات برای دستگیری قاتل آغاز شده است.

به گزارش همشهری، عصر چهارشنبه بیست و هفتم اردیبهشت به قاضی محمد وهابی، بازپرس جنایی تهران خبر رســـید که نوجوانی ۱۷ســـاله در یک درگیری به قتل رسیده است. محل درگیری خیابانی در جنوب تهران بود و پســـری ۱۷ســـاله بر اثر ضربات چاقو به قتل رســـیده بود. شـــاهدان می‌گفتند که پسر نوجوان در حال عبور از خیابان بوده که دو سرنشین یک موتورسیکلت راه وی را سد کرده و با او درگیر شده بودند. وقتی درگیری بالا گرفت، پســـر نوجوان قصد فرار داشت که یکی از موتورسواران با قمه به وی حمله کرد و در مقابل چشمان مردم، ضربات مرگباری را بر بدن او وارد کرد. شاهدان سعی داشتند نوجوان ۱۷ساله را نجات بدهند اما ضارب آنها را نیز تهدید کرد و پس از جنایت ترک موتور دوستش نشست و هر دو فرار کردند. در ادامه هویت مقتول فاش شد و در تحقیق از آنها مشخص شد که او با کسی خصومت نداشته اســـت. اما شکل جنایت نشان می‌دهد که قاتل با انگیزه انتقام‌جویی دست به جنایت زده است. تیم جنایی با بررسی دوربین‌های مداربسته چهره عامل جنایت را به‌دست آورده و جســـت‌وجو برای دستگیری او ادامه دارد تا انگیزه او از جنایت مشخص شود.

مرگ ۳کودک در آتش‌سوزی خانه

آتش‌سوزی در ساختمانی مســـکونی جان ۳کودک را گرفت و موجب مصدومیت ۳نفر دیگر شد.

به گزارش همشهری، این حادثه شامگاه چهارشنبه در خانه‌ای واقع در خیابان شیراز منطقه گلستان اهواز اتفاق افتاد.

عارف شـــرهانی، ســـخنگوی اورژانس اهواز گفت: این حادثه ساعت ۲۲:۴۵ دقیقه چهارشنبه رخ داد. در این حادثه ۲ دختر بچه ۶ و ۱۵ساله و یک پسر بچه ۱۲ساله جان خود را از دست دادند، همچنین یک زن و یک مرد ۴۰ســـاله و یکی از پرسنل آتش‌نشانی نیز مصدوم شدند که توسط تکنسین‌های اورژانس ۱۱۵ به بیمارستان گلســـتان اهواز انتقال یافتند. به‌گفته وی، علت آتش‌سوزی از سوی کارشناسان در دست بررسی است.

دستگیری آدم‌ربایان ناکام

آدم‌ربایان فراری که هنـــگام ربودن جـــوان ثروتمند به‌دلیل مقاومت وی و ازدحام جمعیت ناکام مانده بودند به دام پلیس افتادند.

به گزارش همشـــهری، چند روز پیش ۳مرد جوان که نقشـــه ربودن مردی ثروتمند را در سر داشتند، به تعقیب او پرداختند تا نقشـــه خود را عملی کنند. مرد ثروتمند ســـوار بر خودروی شاسی‌بلند خود از خانه خارج شده و قصد رفتن به محل کارش را داشت که دقایقی بعد مقابل هتلی در شمال تهران توقف کرد. آدم‌ربایان که سوار بر یک موتورسیکلت بودند با استفاده از این فرصت به سمت خودروی مورد نظر رفتند. آنها با چاقو شروع به تهدید مرد ثروتمند کرده و قصد ربودن او را داشتند که وی در برابرشان مقاومت کرد و لحظاتی بعد مردم جمع شدند و آدم‌ربایان که در اجرای نقشه‌شان ناکام مانده بودند سوار بر موتورسیکلت‌شان پا به فرار گذاشـــتند. فرار آنها پایان ماجرا نبود. چرا که وقتی پلیس در جریان این حادثه قرار گرفت، تحقیقات برای شناســـایی و دســـتگیری آدم‌ربایان آغاز شد. به‌گفته سرهنگ علی ولی‌پور گودرزی، رئیـــس پلیس آگاهی تهـــران، کارآگاهان با بررســـی دوربین‌های مداربســـته موفق به شناســـایی موتورسیکلت متهمان شـــده و از طریق همین سرنخ یکی از آنها را دســـتگیر کردند. وی ادامـــه داد: متهم دستگیر شده در بازجویی‌ها اعتراف کرد که او و همدستانش از قبل مرد ثروتمند را شناسایی کرده و زیرنظر گرفته بودند و قصد داشـــتند با ربودن وی، دست به سرقت ارزهایش و همچنین اخاذی از خانواده‌اش بزنند که ناکام ماندند. به‌گفته ســـرهنگ گودرزی، با اعترافات متهم، تحقیقات برای دستگیری همدستان او ادامه دارد.

با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

حل مشکل مسکن، اشـــتغال به‌کار کارگران ساختمانی را نیز حل می‌کند

چرا هیچ دستگاهی خود را متولی کنترل تورم در کشور نمی‌داند که بتواند وضعیت مســـکن را مدیریت کند تا شـــاید مشـــکل کارگران ساختمانی هم حل شود. اگر مشکل مسکن حل شود قطعا رونق ساخت‌وساز باعث اشتغال به‌کار کارگران ساختمانی هم می‌شود که مدت‌هاست به‌دلیل گرانی مسکن و رکود بیکار هســـتند و برای تأمین معاش خود به ســـمت مشاغل دیگری ازجمله دستفروشی و مشاغل کاذب روی آورده‌اند.

عباسی از تهران

بومی‌های ینگی امام نیازمند مجوز تغییر کاربری محدود و ساخت و سازند

ینگی امام در ساوجبلاغ نه حالت روســـتایی دارد و نه امکانات شهری کامل و در واقع ینگی امام بین شهر و روستا گیر افتاده است. همین موضوع باعث شده مقولات مختلف در این منطقه دچار مشکل شود. درحالی که اجاره‌خانه‌ها بیداد می‌کند به‌دلیل اجرای طرح‌هـــای مختلف، مجوز ساخت‌وســـاز نمی‌دهند که حداقل در ملک پدری خودمان سرپناهی برای زن و فرزندان‌مان بســـازیم یا اجازه تغییر کاربری هم نمی‌دهند. درحالی که این سختگیری‌ها باید شامل کسانی باشـــد که سرمایه‌دار هستند و با خرید ملک‌های بزرگ کشـــاورزی به‌دنبال ویلاســـازی و سودجویی هستند.

اکبری از ینگی امام ساوجبلاغ

شرکت‌های پیمانکاری متعهد به پرداخت حقوق کارگران باشند

شرکت‌های پیمانکاری نسبت به پرداخت حق و حقوق کارگران ولو در حد جزئی متعهد باشند و همانطوری که رئیس‌جمهور محترم هشدار دادند بســـاط قراردادهای چندماهه جمع شود تا حداقل دغدغه بیکاری از کارگران شرکت‌های پیمانکاری حذف شود.

علیپور از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

خودرویی که تعیین قیمت نشده چگونه پیش‌فروش می‌شود

مصوبه‌ای وجود دارد به نام مصوبـــه ۴۷۳خودرویی که در آن آمده است: «بدیهی اســـت خودروهایی که قیمت آن تعیین نشده حق پیش‌فروش نخواهند داشـــت.» حالا ســـؤال این است که شرکت ســـایپا چگونه چنین خودرویـــی را در ســـال ۱۴۰۱ پیش‌فروش کرده اســـت. علاوه بر مورد بنـــد یک، این شـــرکت ضمن درنظر نگرفتن نامه‌هـــا و تأکیدهای وزارت صمت و ســـازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مصوبه ۴۷۳ را برای حواله‌داران و کسانی که در پیش‌فروش این خودرو شـــرکت کرده‌انـــد درنظر نگرفته و مبلـــغ ۱۴۶,۸۰۰,۰۰۰ تومان علاوه بـــر ۱۱۴,۲۵۰,۰۰۰ تومان پیش‌پرداخت برای تکمیل وجه درخواســـت کرده است که جمع مبلغ به ۲۶۱,۰۵۰,۰۰۰ می‌رسد. همچنین این خودرو و امکانات آن بر پایه ساینا اس بنزینی است و فقط گازسوز شده است. بنا بر مصوبه ۴۷۳مبلغ پیش‌پرداخت (۱۱۴,۲۵۰,۰۰۰ تومان) نباید متوجه این افزایش شود که با احتســـاب مالیات، بیمه و قیمت پلاک‌گذاری، آپشن و... قیمت نهایی آن با روش‌های محاسباتی مختلف نهایتا به مقدار ۲۳۲میلیون تومان می‌رسد، اما شرکت، قیمت نهایی را بیشتر از ۲۶۱میلیون تومان اعلام کرده اســـت. همچنین با پیگیری‌های متعدد حواله‌داران، شـــرکت سایپا ریز محاســـبات این خودرو را مشخص نمی‌کند که حق هر مشتری‌ای است.

علی بیات از تهران

زهکشی نخیلات به کل فراموش شده است

وضعیت زهکشـــی نخیلات آبپخش دشتســـتان به‌عنوان قطب نخلستان‌های ایران و خرما بسیار اســـفبار است. با این وصف باید وضع باقی نخیلات چگونه باشد. لایروبی زهکش‌ها و انبوه نیزارها در شاخه‌های یک تا ۵، آبیاری و زهکشی مناطق قلایی و شن‌ریزی در مسیرهای بین نخیلات از اقداماتی است که سال‌هاست فراموش شده است. سازمان بازرسی کشور و قوه قضاییه تحقیق و تفحص کنند از بعد انقلاب تاکنون بودجه‌های شبکه آبیاری و زهکشی کجا رفته است؛ درحالی که مردم هزینه حقابه پرداخته‌اند.

ضامن از دشتستان بوشهر

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

خطرات کانال‌های آب اطلاع‌رسانی شود

همه‌ساله کانال‌های آب در حاشیه شهرها قربانی می‌گیرند؛ قربانیانی که بعضا شناگر هم هستند و این نشان می‌دهد که رفتن به داخل کانال‌های آب فقط تنی به آب زدن نیست و چه بسا به قیمت جانی تمام شـــود. یکی از این موارد در هفته گذشته قربانی شدن مردی ۴۲ساله در چندار بود که برای نجات گوسفندانش به آب زد و خود قربانی شد. چندی قبل نیز یک زوج جوان در کانال آب کردان جان باختند. تقاضا این است که مسئولان درخصوص خطرات کانال‌های آب و ایمن‌سازی آنها اقدام کنند و مردم حتی اگر شنا بلدند از ورود به کانال‌های آب به‌خصوص در کرج و قزوین اکیدا خودداری کنند و شک نکنند مثلا در کانال آب بلوار خبرنگار کردان، آب، حتی انسان بزرگسال را با خود خواهد برد.

خانی از قزوین

دردســـرهای نســـخه‌های الکترونیک برای ســـالمندان و بازنشستگان

بسیاری از بازنشستگان با وجود نســـخه الکترونیکی، در دریافت خدمات درمانی دچار مشـــکل شده‌اند و ســـازمان باید فکری به حال این موضوع بکند. پیرمرد یا پیرزن بازنشسته نمی‌تواند برای دریافت خدمت، این مقدار به زحمت بیفتـــد و تدبیر این موضوع به‌عهده سازمان است.

هاشمی از تهران

جلوی تخلفات آشکار در فروش عسل گرفته شود

سال‌هاست فروشـــگاه‌های مواد غذایی و سوپرمارکت‌ها پر شده از عســـل‌های تقلبی و مصنوعی ساخته شده از طریق ذوب کردن شکر و کمی سرکه و روش‌های دیگر غیرطبیعی که به نام عسل طبیعی و خالص فروخته می‌شود. چرا جلوی این تخلفات علنی و آشکار گرفته نمی‌شود؟

محمود بلیغیان از اصفهان